



آمریکا خواستار ادامه سلطه خویش در نیجریه می باشد

نگاهی
به موقعیت سیاسی،
اجتماعی نیجریه

نتیجه نیجریه مستعمره انگلستان گشت. در همین اثنا بود که قانون اساسی *Richerda Censtita Iley* تدوین گشت که بدلیل مخالفت و نارضایتی مردم در سال ۱۹۳۹ منسوخ شد. در پی مبارزات مردم محروم جهت کسب حقوق حقه خود در سال ۱۹۵۲ کشور نیجریه به صورت فدراسیونی مرکب از سه ناحیه مختلف اداره می شد ولی با شدت اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم در جهت کسب استقلال و کشف هویت خویش خویش بخشهایی از این کشور وسیع آفریقائی به تدریج از زیر سلطه کفتار پیر استعمار انگلیس بیرون آمد. بخشهای شرقی و غربی در سال ۱۹۵۶ و بخشهای شمالی آن در سال ۱۹۵۹ دارای حکومت محلی مستقل گردیدند ولی با کوششهای پی گیر مردم و ادامه حرکتهای آزادی خواهانه در اول اکتبر ۱۹۶۰ استقلال کشور خود را بطور کامل بدست آوردند. پس از اعلام استقلال، دو حزب *NCNC* و *NPC* ائتلاف کردند و دولت مرکزی را تشکیل دادند. دکتر آزیکیو رهبر حزب *NCNC* بعنوان فرماندار

موقعیت جغرافیایی:
نیجریه در قسمت غربی آفریقا در خلیج گینه قرار گرفته است و از شرق به کامرون، از شمال شرقی به چاد، از شمال به نیجر و از جنوب به اقیانوس اطلس محدود می باشد. نیجریه با مساحت ۹۲۳۷۶۷ کیلومترمربع قسمت وسیعی از سرزمین آفریقا را در تصرف خود قرار داده است. و با داشتن آب و هوای نسبتاً گرم در طول سال، دارای ۱۸۰۰۰۰۰ کیلومترمربع جنگل در مناطق غرب و جنوب و شرق می باشد. پایتخت آن لاگوس می باشد و ممکن است در آینده نزدیک به شهر ابوجا منتقل گردد.
موقعیت تاریخی:
جمهوری فدرال نیجریه که کشوری لیبرال بوده و با خود عنوان پرطمطراق چهارمین کشور دمکراسی جهان را بدک می کشد در سال ۱۹۰۰ به وسیله استعمارگران انگلیسی کشف گردید و تا سال ۱۹۱۴ که نیجریه شمالی و جنوبی به هم پیوستند به صورت یک کشور واحد نبود بعد از این تاریخ انگلستان به این کشور راه یافته و در

خوشه شعله ور خونین انقلاب اسلامی، پرشکوه و پررنگ و بی دریغ، برانبوه گسترده خلافت نور می باشد و گرما و حرکت می بخشد. منطقه بزرگ مسلمان نشین جهان هر آن به انفجار نزدیکتر می شود باز حساسه ای دیگر جهان را در برق شکوه خویش روشن میکند، یک سرزمین دیگر، یک ملت دیگر، یک جامعه به بند کشیده دیگر در خروش انقلاب اسلامی عصبان میکند و ضربات کوبنده اش را بر امپریالیسم بناگهان و گیج کننده وارد میکند قیام و شورش اخیر مسلمانان در نیجریه نمونه ای از این حرکت و آگاهی مسلمانان و آشنایی هر چه بیشتر آنها به نقشه های شوم استعماری می باشد و ایستادگی و مقاومت دلیرانه مسلمانان نیجریه ای در برابر خواسته های نامشروع رژیم مقدمه ای برای اجرای احکام اسلام می باشد. با توجه به این حرکتها در این کشور بزرگ آفریقائی نگاهی کلیتر بر موقعیت جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی آن لازم. بدان امید که هر چه زودتر شاهد برپایی حکومت اسلامی در این کشور مسلمان نشین باشیم.

کل برگزیده شد وی پس از تبدیل نوع حکومت کشور به جمهوری بنیون اولین رئیس جمهوری در نیجریه به روی کار آمد. دکتر آزیکو پس از ۶ سال زمامداری به وسیله کودتای ژنرال ایرونسی از کار برکنار شد. ایرونسی در همین سال انحلال فدراسیون را صادر کرد و در نیجریه اعلام یکپارچگی کرد و دستور تشکیل یک دولت جدید را صادر کرد. متعاقباً کودتای دیگری به رهبری سرهنگ گاون به وقوع پیوست. سرهنگ گاون در ادامه سیاستهای خود کشور را به ۱۲ ایالت تقسیم کرد که هر یک از ایالت ها در امور داخلی خود خودمختار بودند در ژوئیه ۱۹۶۷ جنگ داخلی بدنبال شورش جدائی خواهان ایالت بیافرا آغاز شد و پس از مدت حدوداً ۳۰ ماه جنگ به نفع نیروهای بیافرانی خاتمه یافت. (نیروهای کمک دهنده به جدائی خواهان بیافرا عبارت بودند از: آفریقای جنوبی، گابن، ساحل عاج، پرتغال و فرانسه و در مقابل شوروی نیز از حکومت مرکزی نیجریه حمایت میکرد) مورتللا محمد رمات رئیس ستاد ارتش در سال ۱۹۷۵ طی کودتای بدون خونریزی بعنوان اولین رئیس کشور، فرمانده کل قوا، قدرت را در دست گرفت و پاکسازی را شروع کرد که در این رابطه از حمایت مردم هم تا حدی برخوردار بود. ژنرال مورتللا محمد که در تاریخ نیجریه به عنوان سبیل وحدت ملی شناخته شده در طی یک کودتا که زیر نظر انگلیسها انجام شد کشته شد و حکومت بدست ژنرال اوباساجو افتاد. بالاخره در سال ۱۹۷۹ پس از سیزده سال حکومت نظامیان، انتخاب ریاست جمهوری برگزار شد که طی آن «شاگاری» به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. که تا بحال همچنان در پست خود باقی است.

احزاب:

احزاب موجود در نیجریه بدنبال قانون انتخابات مصوب ۱۹۷۹ که هیچ سازمانی قبل از اینکه در کمیسیون انتخابات به ثبت نرسیده باشد اجازه فعالیت ندارد محدود بوده و اکثراً دارای مواضع موافق حکومت و غرب چابتنکار می باشد.

۱- حزب ملی نیجریه (رهبری این حزب باشاگاری رئیس جمهور فعلی کشور می باشد. ولی در حال حاضر رهبریت حزب بعهد ADISA AKINLSYE می باشد. این حزب طرفدار برقراری روابط اقتصادی آزاد با غرب می باشد و خواستار مدرنیزه کردن کشور به سبک غربی آن می باشد و تا بحال نیز گامهایی رفرمیستی در این زمینه برداشته است.

۲- حزب وحدت نیجریه (UPN) طرفداران این حزب را باید در میان مسیحیان قبیله بورویا جستجو کرد. این حزب نیز خواهان برقراری روابط با آمریکا و رژیم اشغالگر فلس می باشد. (لازم بذکر است، بوجود رهبر این حزب اولین شخصیتی بود که برای

* یکی از خواسته های شورشیان، بازگشت به خلوص و پاکسی اسلامی، پایان حکومت غیرمذهبی حاکم و نفی تجملات می باشد.

* ایستادگی و مقاومت دلیرانه مسلمانان نیجریه ای در برابر خواسته های نامشروع رژیم مقدمه ای برای اجرای احکام اسلام می باشد.

* حرکت مسلمانان در مناطق شمالی و شمال شرقی و ایستادگی و مقاومت آنها در مقابل جوسازیهای کلیسا و فشار عمومی جهت لغو ملاقات با پاپ مقدمه ای است نویدبخش برای گسترش نهضت جهان اسلام

ریگان به مناسبت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری پیام تبریک فرستاد.
۳- حزب مردم نیجریه (N.P.P) که رهبری آن با نامری رئیس جمهور سابق نیجریه می باشد. احزاب سیاسی فوق آراء بیشتری را در میان قشر مردم بخود اختصاص میدهند.
۴- حزب بزرگ مردم نیجریه G.N.P.P
۵- حزب رستگاری خلق P.R.D که این حزب به دو شاخه تقسیم می شود یک شاخه آن به رهبری

حاجی آمینو کانو فرماندار ایالت کانو خواستار اشاعه احکام اسلام در نظام حکومتی می باشد. شاخه دیگر مخالف رژیم می باشد.

موقعیت سیاسی:

در حکومت نیجریه که سالها زیر یوغ استعمار بسر برده است هنوز می توان آثار سیاه و شوم این استعمار را دید. از جمله این مسائل را می توان در سیاست خارجی و داخلی کشور که همواره برجذاتی دین از سیاست تکیه دارد مشاهده نمود.

۱- کشور نیجریه با جمعیتی حدود ۸۰ میلیون نفر که ۷۰٪ درصد آن مسلمان می باشند تاکنون عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی را نپذیرفته و در جلسات این سازمان تنها به عنوان ناظر شرکت میکند.

۲- برقراری روابط حسنه با کشورهای آفریقای غربی، نیجریه دارای رابطه میانجیگری میان کشورهای مختلف از قبیل حمایت از اتیوپی در مقابل سومالی (با توجه به منشور سازمان وحدت آفریقا) بر سر صحرائی اوکلند و همچنین در بقدرت رسیدن سیاهان در زیمبابوه را ذکر کرد.

- ۳- عدم شرکت در هیچ یک از پیمانهای نظامی
- ۴- عضویت در جنبش غیر متعهدا
- ۵- عضویت در سازمان ملل متحد
- ۶- عضویت در سازمان وحدت آفریقا
- ۷- عضویت در مشترک المنافع

سیاست خارجی:

پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۶۰ نیجریه به عنوان یکی از کشورهای عضو مشترک المنافع روابط استعمارگراانه خود را با استعمارگر قبلی ادامه داد و در حقیقت مشترک المنافع پلی در جهت برقراری روابط با استعمار انگلیس بود. نیجریه در زمینه برقراری روابط با دیگر دول عالم نظیر آمریکا، آلمان و برخی از کشورهای بلوک شرق البته در سطح خیلی پایین پیشرفتهای بسیاری داشته به عنوان مثال امریکائیا ۵۵٪ نفت خام نیجریه را خریداری می کند و در مقابل از امریکا ۱ میلیارد دلار کالا وارد میکند.

جمعیت و مذهب:

برطبق آخرین آمارگیری که در نقاط مختلف کشور نیجریه انجام شده است نشان می دهد که در حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت کل کشور می باشد. از این میزان ۷۰٪ آن مسلمان و ۲۵٪ مسیحی و بقیه هم بدون دین می باشند. مسلمانانی که در شمال سکونت دارند دارای مذهب مالکی بوده که به ۲ قسمت تقسیم می شوند. ۱- مذهب صوفیه عده ای به نام تیجانیه از پیروان شیخ احمد تیجاننی بودند ۲- بقیه در صفحه ۱۳

آمریکا خواستار

مذهب قادریه هواداران آن از پیروان عبدالقادر می باشند این بخش تحت نفوذ عربستان بوده. از اله والیدی واقام السنه که رهبری آنان با ابوبکر می باشد این مذهب دارای پیروانی در هند می باشند. ۳- گروه احمدیه از پیروان غلام احمد قادیانی می باشند که رهبر فعلی بشیر احمد است.

جنبش مسلمانان:

دوسال پیش قیام مسلمانان در شهر «کانوه» که یکی از مهمترین شهرهای شمالی این کشور بزرگ آفریقایی با قتل عام بیش از ۲۰۰۰ نفر از مسلمانان و کشته شدن حاج محمودعمار و معروف به «میتسین» آغاز گشت. کشتار وحشیانه مسلمانان نطفه های حرکت های نوینی را در آفریقای سیاه نوید می دهد. مسلمانان که از ظلم و ستم حکام جابر به تنگ آمده اند یکی پس از دیگری بپا خواسته و در این میان حق خود را از دستمگران زمانه خواهند گرفت. مسلمانان نیجریه ای که خواستار اجرای احکام اسلام در سرزمین خود شدند نمونه ای از حرکت های نویدبخش را در جهان اسلام نشان می دهند.

در پی حرکت اخیر مسلمانان در شهر هایدی گوی در شمال شرقی نیجریه و در سه شهر شمالی دیگر که در طی آن تعدادی کشته و تعداد بسیار زیادی زخمی شده اند. استانهای شمالی و شمال شرقی در محاصره کامل قرار گرفته این اقدام از سوی ارتش به منظور جلوگیری از پیوستن مسلمانان از دیگر مناطق نیجریه به مسلمانان شورشی صورت گرفته است. همچنین تمام راه های ارتباطی با استان شمال و شمال شرقی قطع شده است. موج ناآرامی های اخیر در نیجریه امپریالیست ها را چنان نگران ساخته که سعی می کند در رسانه های گروهی خود، مسائلی را که در نتیجه وقوع این قیام روی داده کمتر اهمیت داده شود و ماهیت حوادث در خرها قلب گردد. خبرگزاری های وابسته این حرکت و قیام مردم نیجریه را شورش گروه های افراطی مسلمانان و به تعبیر آنها پیروان یک فرقه افراطی جدید مسلمان نامیده اند. و آنها را شورشیانی معرفی کردند که پیش از اعتقاد به پیامبر، به رهبر خود «میتسین» معتقد می باشند نه قیامی که به خاطر اجرای قوانین اسلام و در مخالفت با اصول غربی حاکم بر کل کشور شکل گرفته است. یکی از خواسته های شورشیان، بازگشت به خلوص و پاکی اسلامی، پایان حکومت غیر مذهبی حاکم و نفی تجملات می باشد آنها همچنین فرزندان خود را به پیشروی از تعالیم قرآن و می دارند. حرکت مسلمانان در مناطق شمالی و شمال شرقی وابستگی و مقاومت آنها در مقابل جوسازی های کلیسا و فشار عمومی جهت لغو ملاقات با پاپ مقدمه ای است نویدبخش برای گسترش نهضت جهان اسلام. باید پیروزی مستضعفین بر مستکبرین و نابودی کفر و الحاد جهانی

بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط رژیم شاه که ضلع مهم مثلث «ایران - عربستان - مصر» بشمار میرفت، ضرورت فعال کردن مصر پیش از پیش در طرح های آمریکا جا باز کرد. در این دوره، انقلاب اسلامی ایران خواه ناخواه رژیم های مرتجع منطقه را که بر امواج نفت سوارند، در معرض خطر جدی قرار داده است.

مصر که ظاهرا تاکنون در جهان عرب منزوی بود، مجدداً به دامان پرنیاز اعراب باز میگردد.

توجه بازگشت مصر به میان اعراب ورود عامل جدید به منطقه یعنی انقلاب اسلامی ایران است و لذا بازگشت مصر به میان اعراب نه بعنوان یک نگاهار که بعنوان قدرت بزرگ و تنها قدرت بزرگ که امروزه اعراب و البته در اصل آمریکا بدان نیاز فوری دارد، در دستور روز قرار می گیرد.

استراتژی جدید آمریکا اینست که مسئله فلسطین - اسرائیل بعنوان معضل اصلی خاورمیانه جای خود را به اعراب - ایران بدهد اگر تا دیروز اسرائیل دشمن اعراب محسوب می شود، از امروز ایران دشمن خطرناکتر بحساب خواهد آمد.

نابراین ضرورت دارد که مشکلات ریز و درشت منطقه حل و فصل شوند تا نیروها، در مقابل امواج انقلاب اسلامی ایران توانائی صف بندی فشرده ای را که لازمه حل مسئله جدید (انقلاب اسلامی) است بدست آورند.

روند پیروزمندانه جنگ ایران و عراق نیز اولویت این صف بندی را برجسته تر میکند.

نفس جدید مصر در این صف بندی چیست؟ مصر با تقدیه از جیب شیوخ و تکیه به سلاح های استراتژیک آمریکا و بهره گیری از ارتش بزرگ خود، بعنوان محور دنیای عرب نقش «حفظ وضع موجود منطقه» را بسود آمریکا و در صورت امکان انهدام پایگاههایی که منافات با به اصطلاح منافع ملی غرب در ورای مرزهایش دارد، بازی میکند.

البته پوشیده نیست که رژیم مصر خود بیش از هر چیز امروزه از درون بوسیله مسلمانان تهدید به فروپاشی میشود. به این ترتیب ملاحظه میشود که مصر در بازی ابرقدرت ها همیشه از اهمیتی بالا برخوردار بوده است.

اگر در دست قدرتی جهانی بوده است نفع منافع خارجی و به زبان مردم مصر عمل کرده است و اگر در دست حکومت ملی افتاده دنیای عرب را تا سرحد امکان به حرکت واداشته است. در حقیقت میتوان گفت که دنیای عرب بدون مصر، چیزی ندارد.

نیشود گفت بدون تحول مصر، دنیای عرب متحول نمی شود اما یقیناً با تغییر مثبت مصر، جهان عرب نیز دچار تغییرات اساسی خواهد شد.

به نقل از بولتن بررسیهای اجتماعی - سیاسی دفتر مرکزی جهاد سازندگی

است تا دیگر نیازی به اعتماد آمریکا به اسرائیل نباشد.

.... کیسینجر روز ششم نوامبر (۱۹۷۳) وارد قاهره شد و به اتفاق ژوزف سیکو با پرزیدنت سادات ملاقات کرد در این جلسه حافظ اسماعیل (مستشار رئیس جمهوری در امور امنیت) و اسماعیل فهمی (وزیر امور خارجه) حضور داشتند. در حدود ساعت ۱۰ صبح روز بعد عکاسان از آنها عکس هایی گرفتند و سپس بقیه اعضا خارج شدند. کیسینجر و سادات سه ساعت تمام با یکدیگر به تنهائی بمذاکره پرداختند.

تصور می کنم که سرنوشت اتحاد شوروی در خاورمیانه طی همین سه ساعت تعیین شد.

در آغاز مذاکره، کیسینجر کیف خود را باز کرد و خواست اوراق و بعضی از مدارک خود را بیرون بیاورد.

سادات از او پرسید: - چه میکنی؟ خیر خیر آنها را به سر جای خود برگردان من نمی خواهم در باره این مسائل بحث کنم میخواهم به شما اطلاع دهم که شما را یک مرد مبتکر شناخته ام. خود من نیز چنین هستم بیمن، آیا می توانیم روی استراتژی مشترکی توافق کنیم؟

همین طور هم شد استراتژی مشترک این بود که روس ها را از خاورمیانه بیرون رانند.

کیسینجر خود به حسنین هیکل گفته بود: روسها میتوانند به شما اسلحه بدهند و این یعنی جنگ.

ولی آمریکائی ها میتوانند زمین های اشغالی را به شما پس دهند و این یعنی صلح.

همچنین سادات به هیکل میگوید: همان مرد (کیسینجر) تنها کسی است که میتواند به آن زن (گلدامایر) دستور بدهد تا بیرون برود و مطیع باشد به این ترتیب سادات با این اندیشه که خروج شوروی از مصر مساوی با فشار آمریکا به اسرائیل به جهت عقب نشینی و همچنین گشودن باب مذاکره با صهیونیست ها بمشابه خلع سلاح آنان از تمرکز بخشیدن بر جامعه اسرائیل است به سمت صلح با اسرائیل پیش میرود.

در اوائل آوریل ۱۹۷۷ سادات در واشنگتن استدلال کارتر را مبنی بر «مذاکره مستقیم با اسرائیلی ها باعث از بین رفتن زیاده طلبی و آشنی ناپذیری آنها خواهد شد» می پذیرد و تشویق به پذیرش ملاقات مستقیم در سطوح عالی میان مصر و اسرائیل میگردد و بالاخره در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷ راهی اسرائیل میشود.

بنا بر این آمریکا که در شرایط پس از جنگ ۵۶ مصر را به شوروی باخته بود در جنگ ۷۳ آنرا قاپید و در خدمت مطامع خود قرار داد.

از تصویب قرارداد کمپ دیوید تا وقوع انقلاب اسلامی ایران ظاهراً مصر از دنیای عرب غنصری طرد شده محسوب می شد البته این فقط ظاهر قضیه